

Critical Studies in Texts and Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 21, No. 12, Winter 2022, 47-69
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.33171.2000

**Pathology of Persian Translations of Texts
and Research on Iran-China Relations:
With Emphasis on the Critique on the Book
*Ancient Texts on China-Iran Relations***

Hamidreza Pashazanous*

Abstract

A considerable part of our knowledge about Iran and its relations with other neighboring civilizations has been based on Greek and Roman texts and sources, some of which have been translated into Persian with acceptable quality. However, there is important information about ancient Iran in the historical texts and archaeological findings discovered in the Far East, especially China. A small number of them have been translated into Persian, which contains errors. Therefore, considering the importance of historical texts and archeological data related to Iran in China, the present article intends to first examine the works related to 'Iranian-Chinese Relations', in order to pathologize the Persian translations of these texts and research on Iran-China relations. Then, it seeks to criticize the part related to ancient Iran in the book *Ancient Texts on China-Iran Relations*. The most important outcome of this study is the weakness of translators and editors in translating Chinese texts and research into Persian, which in some cases, these weaknesses are the result of important mistakes of the authors of the research in the West.

Keywords: Ancient Iran, China, Chinese Texts, Zhang Xinglang, Zhang Hongnian.

* Assistant Professor, Department of History, University of Isfahan, Isfahan, Iran,
h.pasha@ltr.ui.ac.ir, pasha.hamidreza@gmail.com

Date received: 04/09/2021, Date of acceptance: 23/01/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

آسیب‌شناسی ترجمه‌های فارسی متون و پژوهش‌های مناسبات ایران و چین: با تأکید بر نقد و بررسی کتاب متون باستانی پیرامون روابط چین و ایران

حمیدرضا پاشا زانوس*

چکیده

بخش قابل‌ملاحظه‌ای از دانش ما درباره ایران و روابط آن با دیگر تمدن‌های هم‌جوار آن مبتنی بر متون و منابع یونانی و رومی بوده است که بیش‌تر آن‌ها به فارسی و با کیفیتی قابل‌قبول ترجمه شده‌اند. این درحالی است که اطلاعات قابل‌توجهی درباره ایران باستان در متون و یافته‌های باستان‌شناسی مکشوفه در شرق دور و به‌ویژه چین وجود دارد که تعداد اندکی از آن‌ها به فارسی ترجمه شده است که خالی از اشتباه نیست. از این‌رو و نظر به اهمیت متون تاریخی و داده‌های باستان‌شناختی مربوط به ایران در چین، مقاله حاضر بر آن است تا ابتدا با بررسی و دسته‌بندی آثار مربوط به روابط ایران و چین در زبان انگلیسی و فارسی به آسیب‌شناسی ترجمه‌های فارسی متون و پژوهش‌های مناسبات ایران و چین بپردازد. سپس قسمت مربوط به ایران باستان را در کتاب *متون باستانی پیرامون روابط چین و ایران* نقد کند. مهم‌ترین نتیجه حاصل از این بررسی ضعف مترجمان و ویراستاران در برگرداندن متون چینی و پژوهش‌های معتبر به فارسی بوده که در برخی موارد این ضعف‌ها نتیجه اشتباه‌های فاحش نویسندگان این آثار در غرب بوده است.

کلیدواژه‌ها: ایران باستان، چین، متون چینی، جان سین‌لان، جان هون‌نین.

* استادیار گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان، h.pasha@ltr.ui.ac.ir، pasha.hamidreza@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۳



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین زیربناهای پیشرفت ملت‌ها میزان گسست آن‌ها از تاریخ و میراث گذشته‌شان یا پیوند با آن است. چین نمونه تمدنی است که پیوند خود را با تاریخ و گذشته‌اش حفظ کرده است. تاریخ‌نویسی چین از دیرباز در سراسر سلسله ژو با منابع و سال‌نامه‌های دوره بهار و پاییز و پس از آن جنگ‌های داخلی از قبیل شان‌شو (Shang Shu)، چون‌چیو (Chun Qiu)، و غیره به صورت ابتدایی حضور فعال داشته است تا این‌که نخستین بار از زمان سیما چیان (Sima Qian / 司馬遷) در حدود ۱۴۵-۸۶ پم تاریخ‌نویسی رسمی آغاز شد. کتاب شی جی (Shiji / 史記)، تألیف سیما چیان، در واقع نخستین اثر از مجموعه به اصطلاح ۲۴ تاریخ رسمی سلسله‌ای یا جن‌شی (zhengshi / 正史) است. علاوه بر وجود سنت تاریخ‌نویسی قوی، نقش پررنگ آموزه‌های کنفوسیوس در تعلیم و آموزش نخبگان اداری و غیراداری چین، که روحیه انطباق‌پذیری با شرایط جدید را از جمله حملات اقوامی چون مغولان سده‌ها به مردم چین آموخته بود، باعث شد تا چین اصول تمدن اولیه خود را حفظ کند و با اخذ عوامل کلیدی توسعه غرب به تدریج به یک قدرت طراز اول تبدیل شود. شناخت تمدن چین با چنین مؤلفه‌های قدرت‌مند و بررسی تطبیقی آن با تمدن ایران باستان یکی از مؤثرترین شیوه‌های واکاوی و یادگیری دلایل پیشرفت چین و رسیدن آن به جایگاه کنونی است.

باتوجه به جایگاه چین در جهان امروز، مدت‌هاست که بیش از صد دیپارتمان مطالعات چین در آمریکا و ده‌ها دیپارتمان مشابه در اروپا تأسیس شده است. این مراکز آثار و تحقیقات کیفی و ارزش‌مندی را هر ساله به چاپ می‌رسانند و زوایای مختلف تمدن چین را مورد واکاوی قرار می‌دهند. نگاه به چین در غرب در حالی هر روز جامع‌تر می‌شود که در کشور ما حتی یک دیپارتمان مطالعات چین وجود ندارد و همین باعث چاپ آثاری اندک و نسبتاً ضعیف به فارسی درباره چین شده است. اغلب این آثار ترجمه از متون انگلیسی یا چینی‌اند که به سبب ناآشنایی مترجمان با تاریخ و فرهنگ چین اشتباه‌های فراوانی دارند. در نوشتار حاضر، سعی شده است تا در ابتدا وضعیت تألیف و ترجمه‌های مربوط به تاریخ و فرهنگ چین در زبان فارسی مورد نقد و بررسی قرار گیرد و در ادامه یکی از مهم‌ترین آثار مربوط به تاریخ باستان چین به نقد کشیده شود که حاوی اطلاعات مهمی درباره ایران و ایرانیان در متون تاریخی چین باستان است. از این رو، مهم‌ترین مسئله تحقیق حاضر این است که کیفیت آثار مربوط به روابط ایران و چین را واکاوی کند. مدعای نویسنده این

است که، باتوجه‌به نبود آگاهی لازم و معیار سنجش مناسب در جامعه علمی ایران، این آثار با کیفیتی نازل منتشر شده‌اند.

۲. آسیب‌شناسی تألیف و ترجمه‌های فارسی مناسبات ایران و چین

۱.۲ تألیف‌های فارسی

به‌دلیل روابط تاریخی ایران و چین و این‌که از کهن‌ترین دوره‌ها از طریق جاده‌های معروف به جاده ابریشم با یک‌دیگر در ارتباط بوده‌اند، مطالعات مربوط به روابط ایران و چین از دیرباز در چین مورد توجه بوده است. تاکنون صدها مقاله و کتاب درمورد ایران باستان و آثار مکشوفه ایرانی در چین چاپ شده است. برای نمونه، تنها رون شین‌جیان (Rong Xinjiang) ده‌ها مقاله درمورد ایران و فرهنگ‌های زیرمجموعه آن در چین نوشته است (Rong Xinjiang 2000: 7-8; Rong Xinjiang 2006: 147). نویسندگان ایرانی عمدتاً در نیمه دوم قرن بیستم تحقیقاتی درمورد این موضوع انجام دادند که شامل چند کتاب می‌شود که کم‌تر از تعداد انگشتان یک دست است و چندین مقاله که عمدتاً کیفیت نازلی دارند. برخلاف چین و ایران، پژوهش‌گران غربی درباره ایران و چین دو قرن سابقه تحقیق دارند. بااین حال، روابط ایران و چین در دوره پیش از مغولان حتی در میان مورخان غربی هم کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است، اگرچه همین مقدار هم به‌هیچ‌وجه قابل مقایسه با تحقیقات داخل ایران نیست. در این قسمت سعی شده است تا مهم‌ترین متون و آثار مربوط به روابط ایران و چین معرفی شود تا کمیت و کیفیت آثار این حوزه برای خوانندگان مشخص شود. بحث حاضر کمبود جدی مطالعات این حوزه در ایران را روشن می‌سازد، به‌ویژه که بیش‌تر متون چینی مربوط به ایرانی‌ها در چین به زبان‌های مختلف ترجمه شدند، ولی هنوز ترجمه منقح و پاکیزه از این متون در زبان فارسی وجود ندارد.

همان‌طور که اشاره شد، تحقیقات درمورد ایرانیان در چین از نیمه دوم قرن بیستم در ایران شروع شد. از قدیمی‌ترین این آثار کتاب *ایران به‌روایت چین باستان*، تألیف عباس تشکری، است که در سال ۱۳۵۶ چاپ شده است. اگرچه این اثر در زمان خود اثری ارزشمند بوده است، خالی از اشتباه نیست. برای نمونه، نویسنده در مقدمه بر استفاده از متون چینی در کتاب خویش تأکید می‌کند، اما در ادامه، در قسمت اشکانیان، به قسمت‌هایی از تاریخ هانشو و هوهانشو اشاره‌ای ندارد که حاوی اطلاعات بسیار مهم درمورد پایتخت‌های اشکانیان (هدو / Hedou و فاندو / Fandou) و دیگر شهرهای اشکانی است.

همین‌طور، در قسمت مربوط به تجارت دریایی بین چین و ایران، نویسنده به حضور ایرانیان در دریای چین اشاره دارد (تشکری ۱۳۵۶: ۴۲-۴۳). اگرچه در اوایل قرن بیستم بعضی از محققان به تماس مستقیم بین چین و ایران از طریق خلیج فارس در اواخر دوره ساسانی معتقد بودند، در چند دهه اخیر، برخی نیز استدلال کردند که بازرگانان ساسانی معمولاً تولیدات چین و آسیای جنوب شرق را در بنادر سیلان در جنوب هند مبادله می‌کردند، اما خودشان به بنادر چین نمی‌رفتند (Hourani 1947: 157).

از دیگر آثاری که در ارتباط با مناسبات ایران و چین به فارسی تألیف شده است کتاب *تاریخ روابط ایران و چین*، تألیف علاءالدین آذری، است. این کتاب به مناسبات ایران و چین از دوره اساطیری تا عصر حاضر در ۱۹۶ صفحه می‌پردازد. با توجه به موضوع وسیع کتاب مشخص است که اطلاعات اندکی را درباره دوره باستان در بر دارد و اطلاعات آن به هم‌راه اثر تشکری در ایران تاکنون مأخذ اصلی مورخان بوده است (آذری ۱۳۴۹: ۱۹۱-۱۹۴). برخلاف تشکری که در اثر خویش تاحدودی از منابع چینی استفاده کرده است، نویسنده کتاب *تاریخ روابط ایران و چین* به علت ناآشنایی با زبان چینی به‌طور مستقیم به منابع چینی مراجعه نکرده است (همان: ۱۹۳-۱۹۶). برخی از نویسندگان نیز، به‌مانند شیرین بیانی در مقاله خود با عنوان «نظری به روابط فرهنگی ایران باستان با شرق و غرب»، از متون چینی استفاده کرده‌اند که شایسته تقدیر است، اما تسلط نداشتن بر زبان چینی باعث شده است که اثرشان حاوی اشتباه باشد. برای نمونه، بیانی به نقل از شی جی آورده است که اشکانیان از نقره سکه ضرب می‌کردند (بیانی ۱۳۵۰: ۲۳)، در حالی که ضرب سکه نقره در دوره اشکانیان در هان‌شو گزارش شده است (Ban Gu 1959; 1996a: 3889). از دیگر ضعف‌های آثاری که به فارسی تألیف شده‌اند وجود اشکال‌های متعدد در تلفظ اسامی چینی هم‌راه با اطلاعات غلط در توصیف آن‌هاست. برای نمونه، بیانی در مقاله خود می‌نویسد: «در حدود سال ۱۲۸ پم یکی از سیاحان معروف چینی به نام چانگ-کین به حدود باختر سفر کرده...» (بیانی ۱۳۵۰: ۲۳)، در حالی که جان‌چیان فرستاده رسمی دربار هان بود و نمی‌توان وی را سیاح نامید. از این‌رو، در استفاده از این آثار همواره می‌بایست جانب احتیاط را حفظ کرد.

۲.۲ ترجمه‌های فارسی

اگرچه در زبان‌های انگلیسی و چینی آثار ارزش‌مندی در مورد موضوع حاضر نوشته شده است، تعداد اندکی از این آثار به فارسی ترجمه شده‌اند. عمده متون اولیه چینی اکنون به بیش از یک زبان خارجی ترجمه شده و در دسترس است، در این اندازه که مورخ یا

باستان‌شناسی که دانش خاصی در مورد زبان چینی ندارد هم می‌تواند به راحتی از آنان استفاده کند. با وجود این، سوء برداشت می‌تواند از خوانش غیرنقادانه متون پدید آید و وضعیت به دلیل فقدان شواهد مستدل از باقی مانده‌های آثار باستان‌شناسی، به ویژه در دوره اشکانی، بیش تر پیچیده شده است. از مهم ترین آثاری که به فارسی ترجمه شده مقاله «ایران و چین»، تألیف ویلیام واتسون، در تاریخ کمبریج است (واتسون ۱۳۸۳: ۶۴۹). این مقاله با رویکرد فرهنگی بیش تر بر روابط فرهنگی چین و ایران تأکید دارد و به دلیل ذکر داده‌های نو در باستان‌شناسی مفید است، اما در برخی نکات اطلاعات آن ناقص یا اشتباه است. برای مثال، نویسنده به نقل از متون چینی می‌نویسد: «چینی‌ها پارت را به نام تختگاه آن انطاکیه - مرو، ان - هسی می‌شناختند» (همان: ۶۵۴). اگرچه این گزارش درست است، استفاده از نام پارت برای اشکانیان اشتباه است. در حالی که اشکانیان شاهان خود را اشک نامیده و سلسله آن‌ها اشکانی نام داشته است، ضروری بود تا نویسنده از نام اشکانی استفاده می‌کرد؛ به ویژه که این نام بهتر می‌تواند چرایی استفاده چینی‌ها از واژه آن‌شی یا آن‌سی (Anxi / 安息) را که در حقیقت رونوشتی از نام اشک است توجیه کند (Sima Qian 1959: 3162-3163, 3169-3170).

دیگر اثر مهمی که به فارسی نیز ترجمه شده است، مقاله وان تائو (Wang Tao) با عنوان «پارت‌ها در چین: بازبینی گزارش‌های تاریخی» است. مترجم در ضبط اسامی خاص دقت داشته و حتی گزارش‌های مرتبط با ایران اشکانی را در متون چینی و به خط کلاسیک چینی در مقاله ذکر کرده است که از نقاط قوت این ترجمه است (وانگ تائو ۱۳۹۳: ۱۱۵)، اما استفاده از نام پارتیان، به مانند مقاله واتسون، از اشکال‌های این مقاله است. مقاله غلط‌های محتوایی نیز دارد. برای نمونه، نویسنده می‌نویسد: «فریدریش هرت (چین‌شناس آلمانی) استدلال کرد که آن‌شی به هکاتومپولیس، آمان به اکباتانه، سیبین به تیسفون، و یولوئو به هترا اشاره دارد» (همان: ۱۲۶)، در حالی که هرت در اثر خویش «یولوئو» را نه با هترا، بلکه با حیره یکی می‌داند (Hirth 1885: 39). لازم است گفته شود که این اشکال متوجه ترجمه فارسی نیست و در اصل مقاله این اشتباه را وان تائو ذکر کرده است (Wang Tao 2007: 98). از دیگر اشکال‌های مرسوم در مقالات ترجمه شده به فارسی، که خود ناشی از اصل ترجمه بوده، استفاده ناقص از اطلاعات متون چینی است. برای نمونه، در مقاله واتسون، محقق محترم بر طبق متون تانگ اظهار می‌کند که پیروز با کمک سردار چینی از حدود سال ۶۷۰ تا ۷۰۸ م در تلاش برای بازپس‌گیری تاج و تخت از دست‌رفته بود (واتسون ۱۳۸۳:

۶۵۹). این درحالی است که پیروز سال ۶۷۹م درگذشت و پس از وی پسرش، نرسه، تا سال ۷۰۸م در تخارستان حکومت می‌کرد (Compareti 2009). اشتباه فوق ناشی از آن است که شرح واپسین ساسانیان در جیوتانگ‌شو^۱ مبهم است و احتمالاً خطاهایی دارد (ibid.). برای مثال، بخشی که به پیروز (Beilusi / 卑路斯) مربوط است کاملاً با آنچه در شین‌تانگ‌شو^۲ آمده متفاوت است. مطابق تاریخ قدیم تانگ، دربار تانگ فرمان‌دهی موسوم به پی‌شین‌جیان (Péi Xíng Jiān / 裴行俭) را به کمک پیروز فرستاد، اما وی پس از شکست خان ترک پیروز را رها کرد (Liu Xu 1975: 5311-5313). درحالی‌که تاریخ جدید تانگ گزارش می‌دهد که پی‌شین‌جیان به نرسه یاری رساند (Ou Yangxiu 1975: 6258-6260).

این اشتباه در دیگر ترجمه‌های فارسی از پژوهش‌های غربی نیز دیده می‌شود. برای نمونه، تورج دریایی در مقاله «فرزندان و نوادگان یزدگرد سوم در چین» می‌نویسد که نرسه سی سال با اعراب جنگید (دریایی ۱۳۹۲: ۱۱۴)، درحالی‌که در تاریخ جدید تانگ بیست سال گزارش شده است (Ou Yangxiu 1975: 6258-6260). اشتباه روایات مربوط به یزدگرد و بازماندگانش در تألیفات فارسی نیز دید می‌شود. برای مثال، کتاب میراث دریانوردان ایرانی در بنادر چین «بنادر گوانجو، چوانجو، خانجو»، که اطلاعات دست‌اول و ارزش‌مندی درباره تبادلات فرهنگی ایران و چین در دوره باستان دارد، آورده است که نخستین تماس ساسانیان و دربار تانگ در سال ۶۴۸م بوده است (وثوقی ۱۳۹۵: ۵۸-۵۹)، درحالی‌که مطابق تاریخ جدید تانگ و دانش‌نامه زه فو یوان گوئی اولین فرستاده در سال ۶۳۹-۶۴۰م اعزام شد که موس‌پان (Mo-se-pan / 没似半) - احتمالاً همان مرزبان - در رأس آن قرار داشت (Ou Yangxiu 1975: 6258-6260).

اشتباه در تحقیقات مربوط به ایران و چین تنها محدود به نوشته‌های فارسی نیست، بلکه برخی از تألیف‌های محققان غربی که به زبان فارسی نیز برگردانده شده‌اند، حاوی غلط‌هایی فاحش‌اند. برای نمونه، در تحقیق‌هایی که در مورد پیروز، فرزند یزدگرد سوم، و پناه وی به دربار تانگ نوشته شده، بارها اشاره شده است که هم‌اکنون کتیبه‌ای بر پشت پایه مجسمه پیروز در مقبره چیان‌لین^۳ (Qianling) در شی‌آن (Xi'an) چین وجود دارد که مضمون آن عبارت است از:

右骁衛大將軍兼波斯都督波斯王卑路斯

Zòu xiāowèi dà jiāngjūn jiān bōsī dūdū bōsī wáng bēilùsī

«پیروز، شاه پارس، فرمان‌ده بزرگ گارد دلیر راست و فرمان‌ده کل پارس».

از جمله متقدمانی که در غرب به این کتیبه اشاره کرده‌اند آنتونینو فورته (Antonino Forte) است. فورته نوشت: «مجسمه واقعاً به پیروز تعلق دارد و این ادعا با کتیبه‌ای که هنوز هم در پشت آن قابل خواندن است بی‌چون و چرا تصدیق می‌شود» (Forte 1996: 404). متیو کمپرتی (Matteo Compareti) و تورج دریایی نیز در ادامه گزارش فورته را تکرار کرده و به وجود کتیبه در پشت پایه ستون یا پشت مجسمه‌های بی‌سر پیروز و نان‌می (Nanmei) اشاره کرده‌اند (Compareti 2009; Daryaei 2003: 542). اگرچه این محققان درباره بازماندگان یزدگرد سوم در چین مطالعات ارزش‌مندی داشته‌اند که به افزایش اطلاعات ما درباره تاریخ ساسانی منجر شده است، به نظر می‌رسد که در این مورد اشتباهی رخ داده است و حقیقت این است که هیچ کتیبه‌ای بر پشت پایه این مجسمه‌ها حک نشده است و کتیبه‌ها بر ستون فقرات پشت مجسمه نوشته شده بودند. ظاهراً فورته، دریایی، و کمپرتی متوجه نشدند که دو کتیبه پیروز و نان‌می حداقل قبل از سال ۱۹۵۸ فرسایش یافته‌اند و دیگر بر پشت مجسمه‌ها وجود ندارند.

به عبارت دیگر، امروزه این مجسمه‌ها هیچ کتیبه‌ای حاوی نام و عنوان پیروز و نان‌می بر خود ندارند. فورته در اثر خود (*On the So-Called Abraham from Persia*)، که در سال ۱۹۹۶ منتشر شد، بیش‌تر از اطلاعات چن گواکن (Chen Guocan / 陈国灿) استفاده کرده است. چن گواکن در مقاله خویش، «تحقیقات درباره مجسمه‌های سنگی چیان‌لین و عناوین آن‌ها» (Tang Qianling shirenxiang jiqi / 唐乾陵石人像及其銜名的研究) (xianming de yanjiu)، که در سال ۱۹۸۰ چاپ شده است، مجسمه مقامات عالی‌رتبه خارجی در مقبره چیان‌لین را بررسی کرد. این مقاله مبتنی بر اطلاعات دقیق و مستند از متون تاریخی چین و منابع باستان‌شناختی است که در چند دهه اخیر به مأخذ اصلی درباره پیروز در چین تبدیل شده است.

چن گواکن در مقاله خود اظهار داشت که در سال ۱۹۵۸ کمیته مدیریت آثار فرهنگی استان شانسی (Shaanxi) بررسی جامعی در چیان‌لین انجام داد و دریافت که فقط کتیبه‌های بر پشت شش مجسمه از ۶۴ مجسمه قابل‌شناسایی است و بقیه کتیبه‌ها فرسایش یافته و از بین رفته‌اند (Chen Guocan 1980: 190). در رونوشتی که از این شش کتیبه تهیه کردند کتیبه‌ای با نام و عنوان پیروز و نان‌می وجود ندارد. این بدین معناست که کتیبه‌های روی مجسمه پیروز و نان‌می قبل از سال ۱۹۵۸ فرسایش یافته است. با وجود از بین رفتن این دو کتیبه، فورته به اشتباه اظهار داشت که کتیبه‌های حاوی نام پیروز و نان‌می هنوز هم در پشت

مجسمه آن‌ها قابل خواندن است (Forte 1996: 404). در بازدیدی که از مقبره چیان‌لین در ماه مه ۲۰۱۶ انجام شده است، مشاهده شد که تنها هفت کتیبه وجود دارد که شش مورد از آن‌ها هنوز هم قابل خواندنند (Pashazanous et al. 2018: 503). این واقعیت که امروز هیچ نوشته‌ای روی این مجسمه‌ها وجود ندارد، یک چالش مهم برای محققان غربی است. درحقیقت، پرسشی که مطرح می‌شود همانا این است که اگر هیچ کتیبه‌ای حاوی نام‌های پیروز و نان‌می دربین مجسمه‌های فوق نیست، پس چگونه محققان چینی و غربی اظهار کرده‌اند که مجسمه‌های پیروز و نان‌می دربین ۶۴ مجسمه خارجیان در ورودی مقبره چیان‌لین قرار دارند؟ پاسخ به این پرسش آسان است. اگرچه این کتیبه‌ها هم‌اکنون بر پشت مجسمه‌های خود وجود ندارد، محتویات و اطلاعات دقیق این کتیبه‌ها در متون تاریخی چین ثبت شده است. چن گواکن نیز نام و عنوان پیروز و نان‌می را از برخی متون تاریخی چینی مانند کتاب چانگ‌آن جی‌تو (长安志图 / Chang'an Zhitu)، نوشته لی‌هائوون (Li Haowen) گرفته است. به‌گفته چن گواکن، مجسمه‌ها در حدود سال ۷۰۵م ساخته شده‌اند (Chen Guocan 1980: 190). به‌تدریج، مقامات سلسله‌های بعدی چین مشاهده کردند که این کتیبه‌ها در حال نابودی است و به همین علت، به ثبت اطلاعات این کتیبه‌ها در لوح‌های مختلف اقدام کردند که در کنار مجسمه‌ها گذاشته شدند (ibid.: 190). حفظ اطلاعات این کتیبه‌ها در سال‌های بعد نیز ادامه پیدا کرد و همین‌طور لی‌هائوون در حدود سال ۱۳۲۱م متن این کتیبه‌ها را در اثر خود، چانگ‌آن جی‌تو، گزارش کرد. در گزارش وی، تنها متن ۳۹ کتیبه گزارش شده است که حکایت از فرسایش و نابودی دیگر کتیبه‌ها دارد. همان‌طور که وی اشاره می‌کند، ۳۲ مجسمه در سمت راست (شکل ۱) و ۲۹ مجسمه در سمت چپ (شکل ۲) دروازه مقبره وجود دارد که خود نشان از نابودی برخی مجسمه‌ها دارد (Pashazanous et al. 2018: 503). گزارش‌های دوره مینگ اشاره دارد که در پی حوادث مختلف سرهای بیش‌تر مجسمه‌ها مفقود شده بود.

از دیگر اطلاعاتی که محققان غربی به‌صورت اشتباه و ناقص درمورد پیروز نوشته‌اند توصیف آن‌ها درباره سر مجسمه‌های مقبره چیان‌لین است. برای مثال، متیو کمپرتی و تورج دریایی در آثار خود اشاره کرده‌اند که مجسمه پیروز و دیگر مجسمه‌ها بدون سرند (دریایی ۱۳۹۲: ۱۱۴؛ Compareti 2009)، اما قسمت‌هایی از سرهای دو مجسمه کشف شده است که با دو مجسمه در سمت راست مطابقت دارد (Pashazanous et al. 2018: 509-510). اگرچه مشخص نیست که این سرها به کدام مجسمه‌ها تعلق دارد، با این حال یکی از این دو

سر دارای موهای مجعد و سبیل پارتی است (شکل ۳ و ۴) که احتمال بسیار در سال ۱۹۷۱ کشف شده است (Fan et al. 2005: 145; Zhou 2009: 233). آرایش مو و چهره آن بسیار مشابه نقش برجسته‌های سنگی ایران باستان و سبک سنتی پادشاهان ساسانی است (Hinze 1969: pls. 51 ff; Göbl 1971: pls. 1-15). آمیختگی سنت‌های هنری اشکانی و ساسانی نشان از این دارد که این سر احتمالاً متعلق به یک شاهزاده ساسانی باشد که در قسمت‌های شرقی قلمرو ساسانیان حکومت می‌کرد؛ جایی که حضور هنر و سنت‌های اشکانی پررنگ بود. علاوه بر این، ویژگی‌های آرایش چهره و موهای این سر بسیار شبیه به نوع صورت یک شاهزاده در حال ضیافت منقش بر بشقاب نقره‌ای مطالای مکشوفه در لوگوکا (Lugovka) در روسیه است که در سال ۱۹۰۹ یافت شده است (Agostini and Stark 2016: 32-33). بوریس مارشاک (Boris I. Marshak) بر این باور بود که بشقاب لوگوکا در شرق ایران یا دقیق‌تر در تخارستان - جایی که پیروز و نرسه، بازماندگان یزدگرد سوم، حکومت می‌کردند - تولید شده است (Marshak 1986: 276-278). آگوستینی و استارک نیز پیش‌نهاد مارشاک را تأیید کردند و بشقاب لوگوکا را به بازماندگان یزدگرد منسوب دانستند (Agostini and Stark 2016: 32-33). با توجه به جایگاه و القاب پیروز و نرسه در دربار تانگ، به نظر می‌رسد که هر دوی آن‌ها برای دربار چین با شاهان پارسی هم‌تراز بودند، تاحدی که دربار تانگ مجسمه‌ای برای آن‌ها برپا کرد. بنابراین، می‌توان گفت که سر مجسمه یادشده به یکی از این دو شاهزاده تعلق دارد.

۳. کتاب متون باستانی پیرامون روابط چین و ایران

۱.۳ معرفی اثر

کتاب متون باستانی پیرامون تاریخ روابط چین و ایران (از روزگار اشکانی تا شاهرخ تیموری) در حقیقت بخش دوم از جلد سوم اثری جامع در شش جلد با عنوان مجموعه مواد تاریخی روابط چین و مناطق غربی (The Collection of the Historical Materials of Communications between China and the West / 中西交通史料汇编) به قلم جان سین لان (Zhang Xinglang) است. این شش جلد، که در ۱۹۳۰ در چین چاپ شده است (Zhang Xinglang 1977: 1)، اطلاعات جامعی درباره مناسبات چین با کشورهای همسایه و ملل دوردست دارد. نویسنده تلاش کرده است تا با جمع‌آوری منابع دست‌اول و

متون تاریخی چین در طی سال‌ها سفر به اقصی نقاط چین اثری متفاوت و جامع تهیه کند. جان هون‌نین در مقدمه کتاب می‌نویسد که ترجمه بخش دوم از جلد سوم مجموعه مواد تاریخی روابط چین و مناطق غربی در سال ۱۹۹۵ از سوی مرکز پژوهش‌های فرهنگ ایران دانشگاه پکن و پیش‌نهاد دکتر سیدجعفر شهیدی به وی واگذار شد و وی سرانجام آن را به آقای دکتر ابوالقاسم اسماعیل‌پور سپرد تا ویرایش و چاپ کند. او در ادامه همان اثر اضافه می‌کند که ترجمه آن نتیجه همکاری وی و دکتر اسماعیل‌پور است و اسماعیل‌پور ویراستاری و اصلاحات ترجمه را برعهده داشته است (جان‌سین‌لیان ۱۳۸۵: ۱۸-۱۹).

۲.۳ معرفی نویسنده

جان سین‌لان متولد ۱۸۸۸ در ناحیه سی‌یان (Siyang) در استان جیان‌سو (Jiangsu) است. وی محقق سرشناس در تاریخ روابط چین و تمدن‌های همسایه آن بود. اثر وی مجموعه مواد تاریخی روابط چین و مناطق غربی است که در بالا بدان اشاره شد. پدر جان سین‌لان جغرافی‌دان بود که در چین شهرتی بسیار داشت (Ma Baozhu 2007: 66). در سال ۱۹۰۶، وی برای تحصیل با بورسیه دولتی به ایالات متحده رفت و در سال ۱۹۰۹ از دانشگاه هاروارد فارغ التحصیل شد. فعالیت‌های پرثمر وی در حوزه مطالعه متون و منابع کهن چین باعث شد تا در ۱۹۲۷ به‌سمت استاد گروه تاریخ دانشگاه کاتولیک فوجن (Fu Jen Catholic) در تایوان استخدام شود و در آنجا واحدهایی نظیر «تاریخ روابط چین و غرب» را تدریس کند. جان سین‌لان سرانجام در سال ۱۹۵۱ در پکن درگذشت (Li Donghua 2017: 69).

۳.۳ معرفی مترجم چینی

جان هون‌نین (Zhang Hongnian) در سال ۱۹۳۱ در ناحیه یون‌چین (Yongqing) استان هبی (Hebei) به دنیا آمد. وی تا سال ۱۹۶۰ در رشته‌های زبان روسی و فارسی از دانشگاه پکن فارغ‌التحصیل شد. از ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۶ در دانشگاه پکن زبان فارسی تدریس می‌کرد و تا سال ۲۰۰۴ عضو انجمن پژوهش ادبیات فارسی چین بود. وی بارها برای آثار خود درباره فرهنگ ایران و همین‌طور ترجمه‌های خود از متون کلاسیک ایران مانند شاهنامه و گلستان سعدی از سوی نهادهای مختلف در ایران مورد تقدیر قرار گرفت و در سال ۲۰۰۰ رئیس‌جمهور ایران به وی لوح افتخار داد (Zhang Hongnian 2003: introduction).

۴. نقد اثر

۱.۴ فصل‌بندی‌های اثر

کتاب *متون باستانی پیرامون تاریخ روابط چین و ایران* در پژوهشکده زبان و گویش سازمان میراث فرهنگی در سال ۱۳۸۵ چاپ شده است. با وجود اهمیت بسیار این کتاب، در زبان فارسی ۱۱۰۰ نسخه و تنها یک بار چاپ شده است. کتاب دوازده فصل دارد و فصل اول تا پایان فصل ششم کتاب به روابط چین با ایرانیان باستان پرداخته است. این کتاب از گویایی زبان و رسایی بیان کافی بهره‌مند است و مترجم چینی به سبب تسلط به زبان فارسی و بهره‌مندی از قدرت نویسندگی خویش توانسته است که ترجمه روانی ارائه کند، اما این به معنای تبحر ویژه مترجم و ویراستار محترم در ترجمه منابع و آثار تاریخی نیست. کتاب از روی متن چینی به فارسی ترجمه شده است و حاوی اطلاعات ارزشمند در متون چینی و داده‌های باستان‌شناختی در چین درباره ایران است. در ترجمه برخی از مطالب، از ترجمه تخصصی فاصله گرفته‌اند که خود غلط‌هایی را در ترجمه باعث شده است. مترجم یا ویراستار در ترجمه برخی اسامی خاص، به دلیل ضعف دانش تاریخی، دچار اشتباه شده است. برای نمونه، «مان‌جوفو»، که در سال سیزدهم یون یوان (۱۰۲ م) شیر و پرندگان بزرگ سرزمین عرب را به دربار هان هدیه کرد، به اشتباه «مهرداد اول» دانسته شده است (جان‌سین‌لیان ۱۳۸۵: ۳۶)، در حالی که سال ۱۰۲ م به زمان حکومت پاکور دوم (۷۸-۱۰۵ م) و دوره مهرداد اول (۱۷۱-۱۳۸ پ م)، بیش از دو سده قبل از آن، مربوط است. پانویشت مفصل در یک اثر، علاوه بر برقراری ارتباط بیشتر و بهینه بین متن و ذهن خواننده، نشان‌دهنده دانش و تسلط مترجم بر موضوع و مفاهیم کتاب است، اما جان هون‌نین در ترجمه خویش پانویشت و توضیحات تکمیلی اندک آورده است و به یقین می‌توان گفت که بیش‌تر کتاب فاقد هرگونه توضیح ضروری، چون معادل انگلیسی اسامی در پانویشت، است که تلفظ درست آن‌ها را با مشکل مواجه می‌کند.

۲.۴ نقد محتوایی و ایرادهای نگارشی

همان‌طور که گفته شد، اگرچه برخی اسامی در پانویشت کتاب توضیح داده می‌شوند، حتی در توضیح اسامی مکان‌ها معادل لاتین بسیاری از آن‌ها ذکر نمی‌شود. برای نمونه، در فصل اول و در صفحه ۳۱ کتاب، نام «داوان» بدون معادل لاتین می‌آید که تلفظ اشتباه دایوان یا

دیوان (Dà yuān / 大宛) است (جان‌سین لیان ۱۳۸۵: ۳۱). این نام از ترکیب د (Da) به معنی بزرگ و یوان ساخته شده است که نام فرغانه در متون چینی است (Sima Qian 1959: 3162-3163, 3169-3170). همین‌طور در همان صفحه نام دیواجی (Dayuezhi / 大月氏) را به اشتباه داژوجی ترجمه کرده است (جان‌سین لیان ۱۳۸۵: ۳۱). این آشفتگی و اشتباه در ذکر اسامی کشورها، ذکر نکردن معادل لاتین یا چینی، و نبود توضیح ادامه می‌یابد. مترجم می‌آورد:

در آن زمان کشورهایمانند هوان چیان (درواقع سرزمین سغد) دادائی (مملکتی از تاجیک‌ها در غرب فرغانه) و کشورهایمانند گوشئی، هان شین، شوشه که همه در شرق فرغانه قرار دارند سفیران خود را همراه سفیران دربار هان به چین فرستادند (همان: ۳۳).

اگرچه در مورد برخی اسامی توضیح مختصری آمده است، برخی از این توضیحات اشتباه است. برای نمونه، هوان (Huan) و چیان (Ts'ien) نام دو کشور در غرب فرغانه است (Hirth 1917: 107) که مترجم محترم آن را یک کشور دانسته که به‌زعم ایشان همان سرزمین سغد است (جان‌سین لیان ۱۳۸۵: ۳۲). این درحالی است که در متون چینی نام سغد به‌صورت کان‌جو (Kangju / 康居) آمده است. اولین شواهد در متون چینی از حضور سغدیان در چین در سال‌های ۱۱ و ۲۹ پم را می‌توان در هان‌شو (Hanshu) یافت. کان‌جو مرکز ناحیه‌ای بود که امروزه در جنوب تاشکند قرار دارد و در خلال قرن اول پیش از میلاد سغدیان در آن می‌زیستند (De la Vaissière 2003: 23). در قرن اول پیش از میلاد، بیش‌تر سرزمین سغد بخشی از یک دولت بزرگ چادرنشین شد که کان‌جو در میانه سیر دریا مرکز آن بود (Rong Xinjiang 2006: 147-148). همین‌طور ضبط نام کشورهای گوشئی، هان شین، و شوشه، که اشتباه‌اند، در اصل به‌صورت کوشی (Ku-shi)، هان‌می (Han-mi)، و شوشه (Su-hie) بوده است (Hirth 1917: 107).

در ادامه، مترجم هنگام نقل از کتاب هان‌شو نام کشور اووای‌شان‌لی (Wuyishanli / 烏弋山離) در همسایگی آن‌شی را به صورت‌های مختلف «اووای‌شان‌لی» (جان‌سین لیان ۱۳۸۵: ۳۳) و «اووای‌شاه‌لی» (همان: ۳۶) ذکر می‌کند که نشان از بی‌توجهی در ضرورت استفاده از ضبط یک تلفظ دارد. همین‌طور از ذکر معادل لاتین مکان‌ها به‌مانند «فاندو»، پایتخت اشکانیان، خودداری می‌کند.

جدول ۱. اسامی مکان‌ها

| شماره صفحه در کتاب | اسم‌های مکان حاوی غلط‌های تخصصی و تایی در کتاب | شکل صحیح همان اسم‌ها در متون چینی و معادل لاتین و چینی آن‌ها | توضیحات |
|--------------------|--|--|--|
| ۳۳ | دادائی | دائی یا تائی (Ta-i) | |
| ۳۶ | عمان | امان (A-man / 阿蠻) | |
| ۳۶ | کشور لو | یولوئو (Yuluo / 于羅) | |
| ۶۱ | «شهبین» و «دین» | زاهو (Zahu / 雜胡) و دین‌لین (Dingling / 丁零) | نام دو شهر بزرگ در امپراتوری وی شمالی |
| ۶۲ | جن جن | جن‌شین (Jingxing / 井陘) | |
| ۶۳ | ژوژو | رورو (rúru / 蠕蠕) | منظور از رورو همان خاقانات روران (Rouran Khaganate) است. |
| ۶۵ | زولین | چون‌لین (Cōnglǐng / 葱嶺) | کوه‌های پامیر |
| ۶۹ | رود داگه | رود داخه (dá hé shuǐ / 達曷水) | رود دجله |

نبود معادل لاتین و چینی بسیاری از اسم‌های مکان در کتاب در مورد نام‌های اشخاص نیز تکرار می‌شود. از همان ابتدای فصل اول مترجم تنها در ذکر نام اشخاصی چون سی‌ماچان (Sui Machan) از معادل لاتین بهره می‌گیرد. اگرچه تلفظ این نام نیز به صورت پی‌اوجی (POJ) آمده است که لاتین‌نویسی نادر و نامعمول زبان چینی است، از این رو بهتر بود تا به شیوه پین‌یین (Pinyin)، که خواننده با آن مأنوس است، سی‌ماچین (Sima Qian) ذکر می‌شد. ذکر اسامی لاتین گاهی به صورت ناقص نیز انجام می‌شود. برای نمونه، در حالی که جان سین‌لان (Zhang Xinglang) نام صحیح نویسنده و جان هون‌نین (Zhang Hongnian) نام صحیح مترجم کتاب است، بارها این نام‌ها به شکل‌های جانگ شینگ لیانگ (Zhang Xingliang) یا جان‌سین‌لیان (Zhang Xingliang) و جانگ هون‌گنین (Zhang Hongnien) در شناسه و مقدمه کتاب آمده است.

فصل دوم به شرح حال برخی از راهبان ایرانی تبار در چین پرداخته و آثارشان را معرفی کرده است. همان‌طور که در تحقیقات جدید تأکید شده است، راهبان بودایی، به‌مانند آن‌شی‌گائو (Ān Shìgāo / 安世高) و آن‌سیوان (Ān Hsüan / 安世高)، پایه‌گذار مکتب بودیسم در چین بودند (تجدد ۱۳۷۹: ۳۷۲). مترجم محترم معادل لاتین و چینی نام این راهبان، اسامی کتاب‌ها، و مکان زندگی‌شان را نیاورده که همین باعث سردرگمی خواننده در فهم تلفظ این نام‌ها شده است. در صفحه ۴۶ آمده است که «در سال‌های میانه ژن شنو

(۲۰۵-۲۰۱م) در دوره حکومت امپراتور وین دی^۴ از دودمان سوئی... و مشخص است که در مورد سال سلطنت امپراتور ون اشتباه صورت گرفته است، زیرا امپراتور ون (Wendi / 文帝)، بنیان‌گذار سلسله سوئی (Suí / 隋؛ ۵۸۱-۶۱۸م)، در سال ۵۸۱م این امپراتوری را تأسیس کرد و در سال ۶۰۴م درگذشت.

فصل سوم شامل اطلاعات مربوط به روابط دودمان‌های شمالی چین (۳۸۶-۵۳۴م) با پارس (ساسانیان) است. در این فصل نیز، به‌مانند فصل‌های دیگر کتاب، چیزی که بیش از همه به چشم می‌خورد نبود، معادل‌های لاتین و چینی اشخاص، مکان‌ها، و کتاب‌هاست. یکی از اشکال‌های ساختاری ترجمه ذکر نکردن منابعی است که نویسنده براساس آن‌ها اطلاعات روابط چین و ایران را ارائه می‌دهد. برای مثال، در ابتدای فصل اول کتاب، مترجم داخل پراتز می‌نویسد که اطلاعات از کدام قسمت و کدام منبع است، اما در فصل سوم تنها در صفحات ۵۸ و ۵۹ در پایان هر پاراگراف به ذکر منبع می‌پردازد. این بی‌نظمی موجب می‌شود محققان منبع درست اطلاعات نویسنده کتاب را ندانند. در این فصل همین‌طور نام امپراتور در ترجمه با نام امپراتور و سال حکومتش در متن اصلی تفاوت دارد. در صفحه ۶۵ مترجم جمله ذیل را چنین ترجمه کرده است:

魏廢帝二年，其王遣使來獻方物。

«در سال دوم تیان‌خه (Tianhe / 天和) در دوره حکومت امپراتور اوو از دودمان جوی شمالی (Wu of Northern Zhou / (北) 周武帝) پادشاه آن سفیران خود را با هدایا به دربار فرستاد» (جان‌سین‌لیان ۱۳۸۵: ۶۵).

این در حالی است که «سال دوم تیان‌خه در دوره حکومت امپراتور اوو از دودمان جوی شمالی» به‌هیچ‌وجه در متن جوشو نیامده است و در اصل، متن می‌بایست به شکل ذیل ترجمه شود:

«در سال دوم دوره حکومت امپراتور فی (Emperor Fei of Western Wei / (西) 魏廢帝) پادشاه آن [پارس] سفیران خود را با هدایا به دربار فرستاد» (Linghu Defen 1971: j. 50: 920).

فصل سوم حاوی اشتباه‌های متعدد در ذکر اسامی امپراتورهای سلسله وی شمالی (Northern Wei / 北魏) نیز است. این موارد که در ترجمه یا ویرایش اثر بوده و به سبب ناآشنایی ویراستار محترم به تاریخ و زبان چینی رخ داده، باعث شده است تا نام امپراتورهای چین آشفته ثبت شود. در جدول زیر برخی از این موارد ذکر می‌شود:

جدول ۲. اسامی اشخاص و دوره‌ها

| توضیحات | شکل صحیح و معادل لاتین و چینی آن‌ها | اسم امپراتور و سال سلطنت وی، آن‌طور که در کتاب آمده است. | شماره صفحه در کتاب |
|---|---|---|--------------------|
| | تای آن (Tai'an / 太安). ون چن (Wencheng / 文成) | سال اول تانی آن (سال ۴۵۵ م) در دوره امپراتور وین چن | ص ۵۸ |
| | سال دوم خه‌پین (Heping / 和平) در دوره امپراتور ون چن | سال دوم بین در دوره امپراتور گائوزون (Gaozong / 高宗) ^۵ | همان |
| | امپراتور شیان‌ون (Xianwen / 獻文) | امپراتور وی وین دی (۴۶۶ م) | ص ۵۹ |
| شی زون نیز نام «آرامگاهی» امپراتور شوان‌وو است. | سال چهارم جن شی دوره امپراتور شوان‌وو (Xuanwu / 宣武) | سال چهارم جن شی (Zhengshi / 正始) (۵۰۷ م) دوره امپراتور شی زون (Shizong / 世宗) | همان |
| | مو رون وی (Murong Wei / 慕容暉) | مو ژون وی | ص ۶۰ |
| | لیوکورن (Liu Kuren / 劉庫仁) | لیو کو ژن | همان |
| | مو رون چائو (Murong Chao / 慕容超) | مو ژون جوئی | همان |
| | یانوپین (Yao Ping / 姚平) | یانوپین | همان |

در فصل چهارم مترجم بخش‌های مربوط به روابط ایران و چین در متون سوئی و تانگ را به فارسی ترجمه کرده است. در قسمت روابط چین با ساسانیان و اشکانیان در سوئی‌شو، مترجم به نقل از سوئی‌شو می‌نویسد: «کشور "آن" در دوره دودمان‌هان قلمرو اشکانیان نامیده می‌شد. نام خانوادگی پادشاه آن جائو اوو است. پادشاه پارس با فرمان‌روایان کشور کان هم اصل است، اسم شخصی پادشاه شه لی دن می‌باشد» (جان‌سین لیان ۱۳۸۵: ۷۰). در ترجمه فوق چند اشتباه لفظی و البته اشتباه در محتوا وجود دارد که ممکن است نتیجه کار ویراستار کتاب باشد. این جمله، که قسمتی از تاریخ سوئی‌شوست، در اصل به صورت زیر است:

安國，漢時安息國也。王姓昭武氏，與康國王同族，字設力登。

«کشور "آن" (Ānguó / 安國) در دوره دودمان‌هان قلمرو اشکانیان نامیده می‌شد. نام خانوادگی پادشاه آن جائو اوو (Zhāowǔ / 昭武) است که با فرمان‌روای کشور کان هم‌نژاد است و اسم شخصی پادشاه آن لی دن (Lideng / 力登) است» (Wei Zheng 1973: j. 83).

با رجوع به متن کلاسیک چینی و مقایسه دو ترجمه معلوم می‌شود که نامی از کشور پارس (Bosi guó / 波斯國) در متن چینی نیست و مترجم یا ویراستار به اشتباه نام کشور پارس را اضافه کرده است. اشتباه بعدی، که واضح است به سبب ناآشنایی ویراستار با متن چینی بوده است، ذکر نام «شه لی دن» است که در متن اصلی «لی دن» بوده است، اما از مهم‌ترین اطلاعات موجود در متون چینی درباره تاریخ ایران باستان گزارش‌های مربوط به ساسانیان در جیوتانگ‌شو و شین‌تانگ‌شو است. نویسنده کتاب در فصل چهارم قسمت‌های مهم این گزارش‌ها را ترجمه کرده است، اما این ترجمه گاهی ناقص و شامل اشتباه‌هایی محتوایی و ویرایشی است. نخست این‌که جان هون‌نین برخی قسمت‌های متن جیوتانگ‌شو را، که جان سین‌لان نیز در کتاب خود ذکر کرد، به فارسی ترجمه نکرده است. اهمیت این قسمت در اطلاعات آن است که برای درک شاه‌گزینی ساسانیان مفید می‌تواند بود. در ادامه، در قسمت مربوط به واپسین شاهان ساسانی در کتاب آمده است:

پادشاه پارس شی‌لی‌لی پس از یک سال مرد و دختر کوساخه به پادشاهی رسید. ولی ترک‌ها او را نیز به قتل رساندند. در این زمان، پسر شی‌لی‌لی که به روم فرار کرده بود برگشت و مورد استقبال مردم قرار گرفت و به سلطنت رسید. این پادشاه به نام ای هانچی است. وی پس از دو سال مرد و پسر وی، به نام ای سیهو، به سلطنت رسید.

تطبیق متن ترجمه‌شده به قلم جان هون‌نین در بالا با متن اصلی جیوتانگ‌شو نشان می‌دهد که مترجم باز اشتباه کرده و اصل متن به شکل ذیل بوده است:

施利立一年卒，乃立庫薩和之女為王，突厥又殺之。施利之子單羯方奔拂蘇，於是國人迎而立之，是為伊恒支，在位二年而卒。兄子伊嗣候立 (Liu xu 1975: j. 198: 5312).

[پادشاه پارس] «شی‌لی» (Shīlì / 施利) پس از یک سال مرد و دختر کوساخه به پادشاهی رسید، ولی ترک‌ها او را نیز به قتل رساندند. سپس، «شن‌جیه‌فن» (Shān jié / 单羯方) پسر شی‌لی، به روم فرار کرد. کمی بعد، مردم او را مورد استقبال قرار دادند و با عنوان «یین‌هن‌ژ» (Yīn héng zhī / 伊恒支) بر تخت نشاندند که دو سال سلطنت کرد و مرد. و برادر بزرگ‌ترش، به نام «ای‌سی‌هو» (Yī sī hòu / 伊嗣候)، بر تخت سلطنت نشست.

با مراجعه به اصل متن جیوتانگ‌شو چند نکته مشخص می‌شود. نخست این‌که در اصل متن نام شیرویه به صورت «شی‌لی» آمده است، اما در ترجمه مترجم یا ویراستار آن را

به صورت «شی لی لی» ترجمه کرده است. این نتیجه اشتباه در خوانش و فهم کاراکتر «لی» (li چینی: 立) به معنی «به تخت نشستن» در جمله 施利立一年卒 است. با مقایسه ساخت این جمله، که در جاهای دیگر هم تکرار شده است، این اشتباهی حتمی است. برای مثال، جمله 其子施利立 که در آن کاراکتر «لی» نقش فعل را دارد و معنی جمله «پسرش شی لی بر تخت نشست» می‌شود. دوم آن که مترجم در ترجمه بالا نام «شن جیه فن» را انداخته و «ای سی هو» را پسر «یین هن ژ» معرفی کرده است، در حالی که در متن برادر او معرفی شده است.

اشتباه‌های محتوایی در فصل ششم نیز تکرار می‌شود. حتی در برخی موارد، به دلیل ناآشنایی ویراستار کتاب، اصطلاح به اشتباه ذکر می‌شود که از اساس معنی جمله را عوض می‌کند. برای مثال، در صفحه ۱۰۶ به خوبی مشخص نیست که «سه بانو» نام شخص یا یک اصطلاح است و منظور نویسنده از جمله «سه بانو در سلسله مقام‌های دولتی در درجه پنجم است» (جان سین لیان ۱۳۸۵: ۱۰۶) چیست؟ از آن‌جا که خوانندگان فارسی‌زبان و حتی محققان در ایران با اصطلاح و نام‌های چینی آشنایی ندارند، تلفظ این واژه گیج‌کننده است. مطالعه منابع نشان می‌دهد که «سه بانو» در حقیقت تلفظ اشتباه عنوان سابائو (Sàbǎo / 薩保) است. در کتاب تون‌دی‌ان (Tongdian) آمده است که سابائو در سلسله مقام‌های دولتی در درجه پنجم است (Du You 杜佑, 1988: j. 40: 1103).

۵. نتیجه‌گیری

کتاب *متون باستانی پیرامون تاریخ روابط چین و ایران* روابط ایران و چین را در بازه‌ای ۱۵۰۰ ساله در بر می‌گیرد. با توجه به حجم بسیار اطلاعات درباره ایران باستان در متون چینی، به نظر بهتر بود تا نویسنده کتاب را در دو جلد می‌نوشت تا با حواشی و تعلیقاتی عالمانه نخستین بار دسترسی ارزشمند به متون چینی را در اختیار خوانندگان ایرانی قرار دهد؛ به ویژه که برخی از اطلاعات مربوط به ایرانیان باستان در متون چینی جنبه‌های تاریک تاریخ ایران را روشن می‌سازد، اما در عمل تاکنون چنین اتفاقی میسر نشده است و این کتاب نیز نتوانسته است کمبود اثری جامع از داده‌های مربوط به ایران در چین را رفع کند. در حقیقت، تاریخ روابط ایران و چین زمینه‌ای است که به برخی ابزارها به مانند تسلط بر زبان و خط کلاسیک چینی نیاز دارد. دشواری این زبان مهم‌ترین مانع در دسترسی ما به منابع چینی است که باعث شده است نه تنها فهم تاریخ چین از زمان‌های بسیار باستان تا

قرن حاضر در ایران فقیر باشد، بلکه تحقیقات درباره روابط ایران و چین نیز اندک، پر از اشتباه، و ضعیف ظاهر شود.

تسلط‌نداشتن به زبان چینی در کنار ضعف محققان در آگاهی از تاریخ چین قرار می‌گیرد. برای مثال، اگرچه کتاب *متون باستانی پیرامون تاریخ روابط چین و ایران* موجب شده است تا خوانندگان فارسی‌زبان برای نخستین‌بار از متون و منابع چینی مربوط مناسبات ایران و چین در دوره باستان در قالب یک کتاب برخوردار شوند، این اثر با اشتباه‌های فراوان محتوایی چاپ شده است که در برخی مواقع اطلاعات غلط را در دست‌رس خوانندگان قرار داده است. این غلط‌های محتوایی ناشی از تسلط‌نداشتن مترجم و ویراستار بر تاریخ چین بوده است. از این‌رو، شاید راه‌حل وجود یک متولی با نگاهی تخصصی به مطالعات چین باشد تا با تعریف برنامه مشخص و دعوت از متخصصان مربوطه در درجه اول فقدان آثاری جامع و منقح را درباره چین و روابط آن با ایران به زبان فارسی رفع کند.

| | |
|--|--|
| <p>شکل ۱. ۳۲ مجسمه در سمت راست دروازه آرامگاه چیان‌لین در نزدیکی شیان، شانشی، چین.</p> |  |
| <p>شکل ۲. ۲۹ مجسمه در سمت راست دروازه آرامگاه چیان‌لین.</p> |  |
| <p>شکل ۳. مجسمه‌ای با سری دارای موهای مجعد و سبیل که در میان ۳۲ مجسمه سنگی در سمت راست دروازه آرامگاه قرار دارد.</p> |  |
| <p>شکل ۴. نمایی نزدیک‌تر از آرایش موهای سر و سبیل مجسمه</p> |  |

پی‌نوشت‌ها

۱. جیوتانگ‌شو یا تاریخ کهن دودمان تانگ (Jiu Tangshu / 舊唐書) ویراسته لیو خو (Liu Xu / 劉)؛ ۸۸۸-۹۴۷ م) است.
۲. شین‌تانگ‌شو یا تاریخ جدید دودمان تانگ (Xin Tangshu / 新唐書) را گروهی از دانشمندان سلسله سونگ (Song dynasty / 宋朝؛ ۹۶۰-۱۲۷۹ م) گردآوری کرده‌اند.
۳. چیان‌لین آرامگاه امپراتور گائوزونگ (Gaozong) و هم‌چنین همسرش، وو زتیان (Wu Zetian)، بود. این بنا در ۸۵ کیلومتری شمال غربی شهر شی‌آن، استان شانشی چین، واقع شده است.
۴. گفتنی است که لفظ دی (Di چینی: 帝) در زبان چینی به معنی امپراتور است و ضبط نام امپراتور چین به صورت «امپراتور وین‌دی» تنها تکرار کلمه امپراتور است که نشان از تسلط‌نداشتن بر زبان چینی و آشفتگی در ویرایش کتاب دارد.
۵. امپراتوران چین دارای چندین نام بوده‌اند که به نام‌های شخصی، سلطنتی، و مرقدی معروف بود. به عبارت دیگر، شخص قبل از این که به مقام امپراتوری برسد، دارای نام شخصی بود، اما پس از رسیدن به امپراتوری نام وی به نام سلطنتی تغییر می‌یافت. این اتفاق بعد از مرگ وی ادامه داشت، به طوری که پس از مرگ، امپراتور نام و لقب مرقدی می‌یافت. برای نمونه، امپراتور وین چن قبل از سلطنت تو باجون (Tuoba Jun) نام داشت و پس از مرگ نیز به نام گائوزون معروف شد.
۶. تمامی عکس‌ها را نویسنده در سفر به شیان در اردیبهشت ۱۳۹۶ تهیه کرده است.

کتاب‌نامه

- آذری، علاءالدین (۱۳۴۹)، «روابط ایران با کشور چین»، بررسی‌های تاریخی، س ۵، ش ۵.
- بیانی، شیرین (۱۳۵۰)، «نظری به روابط فرهنگی ایران باستان با شرق و غرب»، بررسی‌های تاریخی، س ۶، ش ۳.
- تجدد، نهال (۱۳۷۹)، «نخستین مترجمان آیین بودا در چین»، ایران‌نامه، ش ۷۲.
- تشکری، عباس (۱۳۵۶)، ایران به روایت چین باستان، تهران: مؤسسه روابط بین‌المللی وابسته به وزارت امور خارجه.
- جان‌سین لیان (۱۳۸۵)، متون باستانی پیرامون تاریخ روابط چین و ایران: از روزگار اشکانی تا شاه‌رخ تیموری، ترجمه جان هونگ نین، تهران: سازمان میراث فرهنگی، پژوهشکده زبان و گویش.
- دریایی، تورج (۱۳۹۲)، «فرزندان و نوادگان یزدگرد سوم در چین»، در: ناگفته‌های امپراتوری ساسانی، ترجمه آهنگ حقانی و محمود فاضلی بیرجندی، تهران: کتاب پارسه.

- واتسون، ویلیام (۱۳۸۳)، «ایران و چین»، *تاریخ ایران (کمبریج)*، ج ۳، قسمت اول، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- وانگ تائو (۱۳۹۳)، «پارت‌ها در چین: بازبینی گزارش‌های تاریخی»، *پارتیان، ویراسته وستا سرخوش کرتیس و سارا استوارت*، تهران: مرکز.
- وثوقی، محمداقبر (۱۳۹۵)، *میراث دریانوردان ایرانی در بنادر چین «بنادر گوانجو، چوانجو، خانجو»*، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

- Agostini, Domenico and Sören Stark (2016), “Zāwulistān, Kāwulistan and the Land Bosī 波斯: on the Question of a Sasanian Court-in-Exile in the Southern Hindukush”, *Studia Iranica*, no. 45.
- Ban Gu / 班固 (1959), *Hanshu (汉书)*, Beijing: Zhonghua shuju, vol. 96a.
- Compareti, M. (2009), “Chinese-Iranian Relations, xv. The Last Sasanians in China”, in: *Encyclopædia Iranica*, Available at: <http://www.iranicaonline.org/articles/china-xv-the-last-sasanians-in-china>.
- Daryaei, T. (2003), “The Sons and Grandsons of Yazdgird in China” *Iranshenasi*”, *A Journal of Iranian Studies*, vol. XV, no. 3.
- De la Vaissière, Étienne (2003), “Sogdians in China: A Short History and Some New Discoveries”, *Silk Road Journal*, vol. 1, no. 2.
- Dien, Albert E. (1962), “The ‘sa-pao’ Problem Re-Examined”, *Journal of the American Oriental Society*, vol. 82.
- Du You 杜佑 (1988), *Tongdian / 通典*, Beijing: Zhonghua Shuju, vol. 40.
- Fan, Yingfeng, Luo Changan, and Zhang Yongxiang (2005), *Qianling*, Shaanxi: Shaanxi Tourism Press.
- Forte, A. (1996), “On the So-Called Abraham from Persia, A Case of Mistaken Identity”, in: *L'inscription nestorienne de Si-Ngan-Fou*, A. Paris: Collège de France (ed.), Institut des Hautes Etudes Chinoises.
- Forte, A. (1999), “Iranians in China: Buddhism, Zoroastrianism, and Bureaus of Commerce”, *Cahiers d'Extrême-Asie*, vol. 11.
- Göbl, R. (1971), *Sasanian Numismatics*, Braunschweig.
- Hinz, W. (1969), *Alt-Iranische Funde und Forschungen*, Berlin.
- Hirth, Friedrich (1917), “The Story of Chang K'ien, China's Pioneer in Western Asia: Text and Translation of Chapter 123 of Ssi-Ma Ts'ien's Shih-Ki,” *Journal of the American Oriental Society*, vol. 37.
- Hourani, George (1947), “Direct Sailing between the Persian Gulf and China in Pre-Islamic Times”, *Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland*, no. 2.
- Li Donghua (2017), *A Self-educated Historian*, Taiwan: Taiwan Resource Center for Chinese Studies at UW-EAL.

- Linghu Defen (1971), *Zhoushu*, Beijing: Zhonghua Shuju, vol. 50.
- Liu Xu / 刘昫, (1975), "Western Barbarians", *Old Books of the History of Tang Dynasty* [旧唐书·西域], vol. 198, Biographieslives 148, Chinese Publisher.
- Ma Baozhu (2007), *Summary of the 20th Century's Chinese Historical Works*, Beijing: Beijing Normal University Press.
- Marshak, B. I. (1986), *Silberschätze des Orients: Metallkunst des 3.-13. Jahrhunderts und ihre Kontinuität*, Leipzig: E. A. Seemann Verlag.
- Ou Yangxiu, Songqi (1975), "Western Regions" II, *New Books of the history of Tang Dynasty*, vol. 221(II), Biographieslives 146 (II).
- Pashazanous, Hamidreza and Esmacil Sangari (2018), "The Last Sasanians in Chinese Literary Sources: Recently Identified Statue Head of a Sasanian Prince at the Qianling Mausoleum", *Iranian Studies*, vol. 51, no. 4.
- Rong Xinjiang (2000), "Research on Zoroastrianism in China, 1923-2000", *China Archaeology and Art Digest 4*, Bruce Doar (trans.), no. 1.
- Rong Xinjiang (2006), "New Light on Sogdian Colonies along the Silk Road-Recent Archaeological Finds in Northern China," *Berlin-Brandenburgische Akademie der Wissenschaften, Berichte und Abhandlungen*, Band 10, Berlin: Akademie Verlag.
- Sima Qian (1959), *Shiji*, Beijing, *Zhonghua shuju*, vol. 123.
- Sivin, N. (1968), *Chinese Alchemy: Preliminary Studies*, Cambridge (Mass.): Harvard University Press
- Wei Zheng / 魏征, (1973), *Suishu* 随书, Beijing: Zhonghua Shuju, vol. 7.
- Wilkinson, E. (2000), *Chinese History, A Manual Revised and Enlarged*, Cambridge (Massachusetts) and London: Harvard University Press.
- Zhang Hongnian (2003), *波斯文学史* [History of Persian Literature] (in Chinese), Beijing: Kunlun Press.
- Zhang Xinglang (1977), *The Collection of the Historical Materials of Communications between China and the West* (中西交通史料汇编) (in Chinese), Six vols., Beijing: Zhonghua Book Co.
- Zhou Xiuqin (2009), "The Mausoleum of Emperor Tang Taizong", in: *Sino-Platonic Papers*, no. 187, Department of Asian and Middle Eastern Studies, Philadelphia: University of Pennsylvania.

